

# فلسطین آنطور که هست

— اسرائیل ، دولتی بی دفاع ؟

تضاد های درونی اسرائیل کدامند ؟

— مشاهدات عینی در ساحل غربی و غزه

— وحدت و اشکال جدید سازماندهی ،

کمیته های خلقی فلسطینی و نقش ساف

( سه مقاله از لوموند دیپلوماتیک - مارس ۱۹۸۸ )

— رشوه سیاسی خطرناکترین تهدید علیه ملت ماست .

( مصاحبه با جرج حبش )

هدف ما از انتشار چنین اسنادی ارائه چهره واقعی مبارزهای است که در فلسطین جریان دارد. در این موضوع نیز مثل موضوعات دیگر، هر کسی بمیل خود جانبی از حقیقت را می گوید و بقیه را می پوشاند.

روزنامه‌های ایران، جنبش فلسطین را اسلامی جا می زنند و بر مبارزه لائیک و دمکراتیک این ملت سرپوش میگذارند و سازمان آزاد ییخش فلسطین را که در "خط امام" و اسلام و فقه است "نیست مورد طعن و لعن قرار میدهند.

روزنامه‌ها و مطبوعات کشورهای عربی، غالباً جنبه‌های رادیکال این مبارزه (که انعکاس آن‌ها ممکن است همبستگی مردم این کشورها را با فلسطینی‌ها باعث شود) و بویژه شیوه‌های سازماندهی آنرا سانسور می کنند. رسانه‌های گروهی این کشورها از تضادهای جامعه اسرائیل که موجب "نوعی توازن قوا" و نوعی "دمکراسی" بوده و در مقایسه با آنچه در کشورهای عرب خاور میانه جریان دارد در جایگاه پیشرفته‌تری است، سخنی بمیان نمی آورند. جنبش فلسطین از همین تضاد بسیار استفاده برده و می برد.

سازمانهای اپوزیسیون چپ ایران هم یاتاً، حالا سکوت کردند و یا اگر چیزی گفتند تکرار احکامی فرضی است که بقصد وضعگیری کردن مطرح شده است و نه حل مسأله‌ای یا قدمی به جلو.

سازمان آزاد ییخش فلسطین، این جنبه در برگیرنده سازمانها و نیروهای مختلف سیاسی فلسطین که رهبری آن از سوی پارلمان فلسطین (در تبعید) انتخاب می شود و دستاورد مبارزه همه جانبه ملت فلسطین است باسانی و غیر مسؤله مورد نفی و انکار قرار می گیرد و بالاخره حضور حتمی و قاطع و تعیین کننده این سازمان در مبارزات داخل ناپدید شده گرفته می شود.

ما چون وضعگیری بر اساس نهضیات را علمی نمیدانیم نمی توانیم موضع این نیروها نسبت به فلسطین را جدی و کمونیستی تلقی کنیم. اینست که هم آنها و هم دیگر مبارزان ایرانی را فراموش خوانیم تا جنبش فلسطین را که تجربه ویژه خود را می آفریند بشناسند و سپس بر اساس حق تعیین سرنوشت ملل از این مبارزه حمایت نمایند.

دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار سابق

سازمان پیکار - ۶ آوریل ۱۹۸۸

## فهرست

۳	اسرائیل د ولتی بی د قانع ؟
۱۸	مشاهدات عینی د رساحل غربی وغزه
۲۷	وحدت، واشکال جدید سازماندهی
۳۱	رشوه سیاسی خطرناکترین تهدید علیه ملت، ماست

## اسرائیل ، دولتی بسی دفاع ؟ تضادهای درونی اسرائیل کدامند ؟

سه ماه شورش در مناطقی که بیست سال است توسط اسرائیل اشغال شده ، نتیجه اش این بوده که رابطه بین " فلسطینیهای داخل " و سازمان آزاد بیکس فلسطین مستحکم تر گردد . مصر واردن ، از این بیعددیگر نمی توانند از یک طرح خود - مختاری در این مناطق ، که دوران اشغال را طولانی تر کند ، پشتیبانی نمایند . اما امسال که سال انتخابات در ایالات متحده فرانسه و نیز اسرائیل است ، همپیمانان غربی دولت یهود ، هیچ پیشنهاد تازه ای نمی توانند ارائه دهند همانطور که در دیدار اخیر جورج شولتز ، وزیر خارجه امریکا ، از کشورهای خاورمیانه نیز بروشنی ثابت گشت .

اسرائیل همواره در برابر دشمنان عرب خود برای تضمین بقای خویش توانسته است روی حضور نظامی و قدرت اقتصادی امریکا حساب کند ، اما کدام کمک خارجی می تواند در برابر تهدید درونی بدفاع برخیزد ؟ شدیدترین خطری که امروز برای دولت یهود وجود دارد عبارتست از اینکه سران آن از پذیرش هر راه حل دیگری جز نیروی نظامی برای پایان دادن به شورش فلسطینی ها عاجزند . چنین سیاستی این دولت را در برابر زوال ارزش های دموکراتیک بی دفاع خواهد ساخت . ارزشهایی که بدون آنها جامعه اسرائیل نمی تواند همبستگی خود را حفظ کند .

دو هفته پس از شروع شورش در ساحل غربی وغزه، يك نماينده از حزب دست راستی ليكود بنام بنری شالیتا، به جامعه اسرئیل که هنوز در حالت شوکه قرار داشت چنین راه حلی پیشنهاد کرد: " باید ۵۰ فلسطینی را در يك ضربه کشت تا، ۳۰ سال آرامش بوجود آید." با پشت سر گزاردن دوره اول اضطرابات، اکثریت جمعیت يهوديان، يك راه وروش "قبیلهای" رابزرگريد، حول رؤسای خود گرد آمدند و تفسیر آنان از حوادث را که تقصیر را متوجه سنگ اندازان تظاهرکننده میکرد، باور نمود. غضب اراضی، بد رفتاری و شکنجه و اخراج از وطن و انواع دیگر از پایمال کردن کردن حقوق بشر که طی ۲۰ سال اشغال، علیه فلسطینی ها، جریان داشته، اینها را مرد عادی يهودی فراموش کرد.

واقعیت فلج کننده و در عین حال غم انگیز اینست که اکثریت اسرئیلی ها که خود فرزندان ملتی هستند که چه بسیار تحقیر و تلاش های نابودکننده را طی قرنهای تحمل کرده است گوشهای خود را می بندند تا فریاد ملتی مورد تجاوز قرارگرفته را که خواستار زندگی شرافتمند و مستقل خویش است نشنوند.

ارکان جامعه اسرئیل در برابر این شورش غافلگیر شد درست همانطور که در آستانه جنگ اکتبر ۱۹۷۳ رهبران اسرئیل با چسبیدن به تصوراتی منجمد، نتوانستند

فرارسیدن طوفان را ببینند . در سال ۷۳ با حمله ارتش مصر افسانه<sup>۲</sup> وضع موجود  
تا زمانی که ما بخواهیم ادامه دارد<sup>۳</sup> در هم فروریخت . در سامیر سال ۱۹۸۷ -  
روایایی بی معنای حضور ابدی<sup>۴</sup> در سرزمینهای اشغالی به سر آمد . در ۱۹۷۳ هم  
مثل ۱۹۸۷ همه چیز حاکی از این بود که طوفان نزدیک است اما چشمها و مغزها -  
بسته بود .

هشدارها کم نبود . پروفیسوری . لیوویتز از دانشگاه عبری اورشلیم در همان  
روزهای اول اشغال در سال ۱۹۶۷ پیش بینی کرده بود که دولت اسرائیل با متمرکز -  
کردن امکانات و تلاش های خود جهت تسلط بر فلسطینی ها ، به يك<sup>۵</sup> دیوموحش<sup>۶</sup> تبدیل  
خواهد شد ولی چه کسی حاضر بود اینرا بشنود ؟

در آغاز قیام در سامیر گذشته رهبران اسرائیل در جستجوی دلایل ویزهای  
بودند تا قیام را توضیح دهند . شامیر نخست وزیر چنین اظهار داشت که عملیات  
کماندوی فلسطینی در شمال اسرائیل در اواخر نوامبر ( ۲ ) " علت اصلی شورشهای  
مناطق اشغالی " می باشد . ( ۳ ) رابین وزیر دفاع ( از حزب کار ) مدتها معتقد  
بود که نا آرامی ها " بزودی خاتمه خواهد یافت " . اما دوماه باید طول می کشید تا  
همین وزیر اعتراف کند که شورش ها " تا رسیدن به يك راه حل سیاسی ( برای مسأله  
فلسطین ) ادامه خواهد یافت " ( ۴ ) .

علیرغم این تردیدها، کلیه نظرخواهی‌ها نشان می‌دهد که اکثریت اسرائیلی‌ها،

اجرای سیاست " پنجه آهنین در سرزمینهای اشغالی را تأیید می‌کنند. دوهفته

پس از شروع شورش‌ها، ۶۹ درصد از افرادی که از آنها نظرخواهی شده

خواستار سرکوب بیشتر بودند، ۲۳ درصد از سیاست وزیر دفاع در این باره ابراز

رضایت میکردند و تنها اقلیت کوچکی خواهان نرمش دولت بودند. (۵)

سید

نظرخواهی از دانش‌آموزان دبیرستانها که بزودی برای سه سال به خدمت نظام

فراخوانده خواهند شد نیز بهمین اندازه هشدار دهنده است. ۵۷/۷۰ درصد از

دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان اراد - شهری در منطقه نقب که محل تمرکز

روشنفکران است - خواستار سیاست سختگیرانه تری در ساحل غربی و غزه از طرف

دولت می‌باشند، ۳۳ درصد اقدامات کنونی را تأیید می‌کنند و بقیه از اظهار نظر

خود داری نمود مانند (۶)

تلویزیون دولتی که انحصاری است مدتهاست که از پخش تصویرهایی که در افکار

عمومی سراسر جهان رسوائی ببار آورده است خود داری می‌کند. تماشاگران تلویزیون

در اسرائیل نتوانستند فیلمی را که کانال ۲ تلویزیون فرانسه در ۱۳ ژانویه ساعت ۱

بعد از ظهر پخش کرد ببینند، فیلمی خبری که سربازان اسرائیلی را نشان می‌دهد که

سریک جوان فلسطینی را گرفته بدیوار می‌کوبند و دست چپ او را می‌شکنند. پورات

مدیر کل سازمان راد یوتلویزیون اسرائیل ، که خود عضو لیکود می باشد ، هر چه در توان داشت بکاربرد تا بعنوان مصالح ملی ، مانع پخش این فیلم ها گردد . با وجود این ، صحنه غیر قابل تحمل دیگری از يك هیجان زدگی سادیستی که توسط خبرنگاران تلویزیون سی بی اس ( امریکا ) فیلمبرداری شده بود ، بطور جزئی ، روز - ۲۶ فوریه از تلویزیون ملی پخش شد .

برعکس ، روزنامه ها ، دهها سرگدشت هول انگیز درباره عملیات سرکوب منتشر کردند . احزاب دست راستی علیه " مطبوعات غیر مسؤل " دست به مبارزه زده و شعارهایی چون " ما مطبوعات مسؤل می خواهیم " نیز به دیوار دیده شده است . برای اولین بار در تاریخ دولت اسرائیل يك هفته نامه یهودی بنام درخ هانیتزوتس در اورشلیم به دوزبان عربی و عبری منتشر می شود توقیف شد . حزب دست راستی افراطی تحیا که در اپوزیسیون است نیز کاملاً " مانند لیکود ( که يك ائتلاف از دست راستی های ناسیونالیست شریک در قدرت است ) اقدامات خود را فاشد می نماید . رئیس این حزب مادام گ . کهن تهدید کرده است که اگر مناطق یهودا و شمشرون ( ساحل غربی ) رها شود جنگ داخلی در اسرائیل به راه خواهد افتاد . درخواست برای تبعید فلسطینی ها ( از وطن ) چند برابر شده است . ( ۷ ) - و بالاخره بدنبال حادثهای که طی آن یکی از صهیونیستهای مستعمره نشین افرا:



در نتیجه برتاب سنگ مجروح شده بود رهبران حزب دست راستی مذهبی غوش امونیسیم (= گروه ایمان) که در ساختن مستعمرات جدید در سرزمینهای اشغالی بسیار فعال است، خواستار آن شدند که دهکده فلسطینی مالک، نابود و با خاک یکسان گردد. (۸)

### تاوان سرکوب

امروز اعتراضات علیه سیاست سرکوب در سرزمین های اشغالی ضعیفتر از آن - جنبش اعتراضی است که در سال ۸۲ علیه دخالت اسرائیل در جنگ لبنان وجود داشت. در آن سال سربازان اسرائیل بیش از ۶۰۰ کشته و هزاران زخمی دادند در حالیکه از ۸ تا ۳۰ سپتامبر ۸۷ تا کنون هیچ اسرائیلی کشته نشده است. تاوان سرکوب، در این زمینه، تقریباً هیچ بوده است.

راه حلی که توسط مخالفین ماجراجویی اسرائیل در لبنان، در سال ۸۲، ارائه می شد ساده بود: خروج از ورطه لبنان. اما مسأله کنونی بسیار پیچیده تر است و مسأله های بسیار ریشه دارتر را مطرح می سازد و آن اینکه فلسطینی ها خواستار استقرار مجدد حقوق ملی خود هستند و این امری است که پذیرش آن برای شهروند عادی اسرائیلی بسیار دشوارتر است.

با این همه اسرائیلی ها، در برابر سیل انتقاداتی که از طرف یهودیان سراسر دنیا علیه اسرائیل جریان یافت شوکه شدند. بدین ترتیب بود که ناپیندگان متعددی از جامعه یهودیان ایتالیا، حاضر نشدند از شامیر نخست وزیر اسرائیل، هنگام ورود شبیه رم در ۱۵ فوریه استقبال کنند. شخصیهائی که هرگز صدای خود را به اعتراض بلند نکرده بودند، دست به شکوه زدند که این روزها ما از یهودی بودن خود شرم داریم. مقاله سینماگر معروف آمریکا وودی آلن (۹) که بنسبت از موضوعات سیاسی سخن می گوید، در اسرائیل همچون بمب صدا کرد و محظوریت بزرگی ایجاد نمود.

حدود ۸۰ هزار نفر که در تظاهرات ۱۹ سامبر، بدعت جنبش "صلح اکنون"، در تل آویو شرکت کردند و شعارشان "مرگ بر اشغال" بود، نشان میدادند که بخشی از جمعیت بنحو دیگری فکر می کند. مطبوعات، ده ها عریضه چاپ کردند. ششصد و بیست تن از استادان دانشگاه متنی را امضا کردند که عنوانش اینست: "سلطه تحمیلی و دائمی ما بر سرزمینهای اشغالی دولت اسرائیل را به مخاطره میاندازد" (۱۰). نویسندگان متعددی، پس از دیدار از نوارغزه اظهار داشتند که "ما نمی توانیم برای مدتی دراز، مردمی را که برای آزادی خود مبارزه می کنند، سرکوب کنیم" (۱۱). یکی از مشهورترین رمان نویسان اسرائیل

آموزش و بیانیه‌های شدید اللحن در اعتراض به سیاست دولت در سرزمینهای اشغالی منتشر کرده و خواستار آن شده است که مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین آغاز شود، بشرطی که این سازمان دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد (۱۲). در اورشلیم یک گروه از عکاسان نمایشگاهی ترتیب دادند که بازگوکننده شورش سرزمینهای اشغالی است. آنها در یک عریضه بخصوص این نکته را تأکید می‌نمایند که "در ادامه اعمال سیاست چماقی، یک فاجعه اخلاقی مهم ما را تهدید می‌کند. سربازان ما به اجرای فرامین غیر اخلاقی و غیر قانونی مأموریت می‌یابند. ما با نگرانی نسبت به ارزشهای جامعه خود، خواستار پایان دادن به سیاست کنونی دولت در سرزمینهای اشغالی هستیم."

در دانشگاه تل‌آویو، برای تأیید متنی که "منشور ادیکال" نامیده میشود، امضاکنندگان تعهد می‌کنند که به ساحل غربی و غزه قدم نگذارند و فرآورد ههای مؤسسات اسرائیلی در این مناطق را نخرند.

از این نوع فراهخوانها بسیار زیاد است. اما، اخطار ۱۵۷ روان‌شناس و روان-

پزشک، بویژه قابل توجه است.

آنها به مردم اسرائیل "نسبت به خطرات یک اشغال دائمی که جامعه را فاسد

و بیماری سازد" هشدار میدهند و همچنین نسبت به آثار شوم سرکوب روی سربازان

نویسند های بنام یهوناتان گهن ، سرگذشت سربازی جوان را که ۵ روز در غزه بوده منتشر کرده است . در چهارروز اول ، او به لطائف الحیل خود را از کتک زد ن به تظاهر کنندگان دور نگه داشته ، اما روز پنجم او نیز می زند ( ۱۴ ) . سرباز دیگری میگوید . " شب وقتی می خوابم صحنه ها پیش چشم می آید . خود را می بینم که چماق در دست بچه های را میزنم . دیگر خوابم نمی برد ( ۱۰۰۰ ) من نمی دانم چگونه می توانم از ما بخواهند که چنین کارهایی بکنیم . " و سرباز دیگری می گوید : " در گروهان ما مهاجرینی هستند که از اینکه به اسرائیل آمد ما ند پشیمانند . ( ۱۵ )

خانمی بنام تیمنا افیر از کمیوتس گیوا الحاییم ، زمانیکه اسحاق رابین وزیر دفاع از آن کمیوتس دیدن میکرد ، به او اعتراض کرده و گفت : شما روح جوانان ما را کشتار می کنید . پسر که در سرزمینهای اشغالی به خدمت سربازی مشغول است بمن میگوید ، هر روز که میگردد تعداد بیشتری از سربازان به سمت راست و دست راستی های افراطی رانده می شوند . " سرباز دیگری گفته است : " جوانی که پسر بچه های را بزند واستخوانش را خرد کند دیگر هرگز همان شخصیت اولش را نخواهد داشت . "

## تنگنای که ارتش، گرفتار آنست

جنبش عدای از افسران و سربازان که بنام " هر چیز حدی دارد " معروف است، و در جریان جنگ علیه لبنان در سال ۱۹۸۲ بسیار فعال بود و ۱۵۰ نفر از افراد وابسته به آن بخاطر امتناع از شرکت در جنگ لبنان به کیفرهای مختلفی محکوم شدند، اخیراً فعالیت خود را از سر گرفته است. در ماه ژانویه ۱۶۰ تن از افسران و سربازان اعلامیه‌ای را امضا کردند که عنوان آن چنین بود: "سرکوب رابسر کنیم". در آن اعلامیه، آنها تعهد کرده بودند که در ساحل غربی و غزه مأموریتی را نپذیرند. برخی از آنان به زندان مجرد محکوم گشته‌اند - یک گروه بان چتر باز وابسته به این جنبش، طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: به زندان رفتن هیچ وحشتی ندارد، بخصوص اگر با بهائی که فلسطینی‌ها می‌پردازند مقایسه شود. طی تظاهرات بزرگ ۱۳ فوریه در حيفا، اورشلیم، سخنرانان از سربازان می‌خواستند که از فرامین غیر قانونی فرماندهان خود پیروی نکنند. ژنرال آمنون استراشمون، مشاور قضائی دولت - به سربازان خاطر نشان کرده است که آنها موظفند از دستورات غیر قانونی سرپیچی کنند.

ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل با سه مسأله خطیر مواجه است، کلیه شیوه‌هایی که برای فروخواندن شورش به کار رفته، بی اثر بودن خود را نشان داده

است . حتی برقراری حکومت نظامی ، علاوه بر محاصره اقتصادی نیمه کامل و تمرکز نیروی نظامی و اعمال خشونت برای به وحشت انداختن مردم ، آرامش را بدنبال نیابورن تاکتیکیها تغییر می یابند اما شورش به جای خود باقی است . روزنامه نگاری بنام ژوئل مارکوس وضع را چنین خلاصه کرده است : " ما دیگر تنبیهی نمی شناسیم که اعمال کنیم " ( ۱۶ ) .

شکل دوم ستاد ارتش ، عبارت است از آثار سرکوب روی خود سرایان . سرویس روانشناسی وابسته به ارتش گزارشی در این باره داده است که مضمون آن سری نگه داشته شده . سخنگوی ارتش گفته است که نتیجه گیری های این گزارش خطرناک نبود اما گزارشگر نظامی روزنامه داور این را تکذیب می نماید و میگوید : " اخسران ، در محل ، اعتراف می کنند که نسبت به عواقب این اقدامات روی سرایان ، بسیار نگران هستند " ( ۱۷ ) پیشنهاد مربوط به ایجاد گروهانهای ویژه جهت مقابله با شورش در سرزمینهای اشغالی ، بدلیل عدم آمادگی پرسنل ، کنار گذاشته شد .

مشکل سوم ژنرال ها ، برنامه آموزشی واحد ها است . همانطور که در دوره طولانی حضور ارتش اسرائیل در لبنان از ۸۲ تا ۱۹۸۵ دیده شد ، تمرینات و مانورهای نظامی بطور جدی مختل شده و مانورهای زمستانی واحد های برگزیده متعدد ، اجباراً لغو گردیده است . اگر در نتیجه سانسور ، کسی نماید که امروز

چه تعداد از نیروهای نظامی در سرزمینهای اشغالی متمرکزند ولی اینرا همه میدانند که تعداد آنها، هرگز تا این حد، بالا نبوده است. بسیاری از نیروهای ذخیره که قبلاً در دوره سرپازی را گذرانده اند یعنی معمولاً یکماه در سال - فرانخوان معروف شماره ۸ را جهت اعزام به خدمت دریافت کرده اند آنها هم بدون اطلاع قبلی و بدون محدودیت مدت.

پس از جنگ ۱۹۶۷ تاکنون، اسرائیل هرگز تا این حد فاجعه آمیز با مسأله فلسطین، مواجه نبوده است و این در حالی است که در جریان سیاسی که دولت و حاکمیت ملی را تشکیل میدهند از ارائه یک ایده جدید در این باره عاجزند. لیکود (ائتلاف دست راستی برهبری شامیر) همچنان به "نه" های مکرر خود چسبیده و از کشوی میز طرح مرده بد نیا آمده خود مختاری فلسطینی ها را که در قرارداد کمپ دیوید پیشبینی شده بود بیرون می کشد. طرحی که امروز حتی مصر واردن هم آنها نمی پذیرند (نگاه کنید به مقاله آلمن گرش، ل. د. ۰ مارس ۱۹۸۸). برای اینکه ابهامی نباشد شامیر تأکید می کند که اسرائیل هرگز از بخشی از ساحل غربی و نوار غزه صرف نظر نخواهد کرد و حاکمیت خود را بر مجموع سرزمین تاریخی فلسطین "مصرا نه" حفظ خواهد کرد. با وجود این، نخست وزیر از طرح ابتکاری امریکا که مبتنی بر قرارداد کمپ دیوید است نگران می باشد. اما حزب کار (برهبری شیمون پرز) با تأیید همه جانبه اقدامات

وزیر دفاعشان (رابین) در سرزمینهای اشغالی، خیال صلحی منفرد با اردن را در سر  
می پروراندند. هر دو گروه از پذیرش هر نوع نقشی به ساف امتناع می ورزند.

اگر توازن پارلمانی کنونی، پس از پایان انتخابات پارلمانی ماه نوامبر ۸۸ نیز  
همچنان محفوظ بماند، میتوان گفت اسحاق رابین که اقداماتش در سرزمینهای  
اشغالی اینقدر مورد تأیید لیکود هم بوده است، احتمالاً کاندیدای مشترک هر  
دو گروه برای پست نخست وزیری خواهد بود. امروز وزیر دفاع پیش از هر کس دیگر  
سمبل حزب کار می باشد و همین امر است که که موضع صدراعظم سابق اتریش، برونو -  
کرایسکی، را توضیح میدهد. او پیشنهاد کرد است که حزب کار اسرائیل بدلیل  
مسئولیتی که در سرکوب فلسطینی ها در سرزمینهای اشغالی بعهده دارد از انتر-  
ناسیونال سوسیالیست انخراج گردد.

در واقع، اسرائیل به رهبر روشن بینی نیاز دارد که حقیقت را صریحاً بگوید -  
مردم بگویند - حقیقتی که رهبران کنونی ترجیح میدهند آنرا نادیده بگیرند و قبل از هر  
چیز، این حقیقت که زور نمی تواند کشمکش اسرائیل و فلسطین را حل کند - رهبری که  
کشور را به یک مصالحه تاریخی رهنمون شود. فقدان چنین رهبری، در شرایط حاضر  
یک تراژدی بزرگ است.

آمنون گامپولیوک



## پاورقی‌ها:

- ۱- روزنامه یدیعوت احرنوت: ۲۳ دسامبر ۱۹۸۷
- ۲- در ۲۶ نوامبر يك چريك فلسطينی كه با استفاده از " هواپیماي بادی " از مرز لبنان گذشته و خود را به داخل مناطق اشغالی رسانده و به يك پادگان اسرائیلی حمله کرده بود ۶ سرباز اسرائیلی را كشت و ۹ سرباز دیگر را مجروح ساخت.
- ۳- حادثه اشوت: ۲۶ ژانویه ۸۸
- ۴- مصاحبه با وال استریت جورنال ۱۰ فوریه ۱۹۸۸
- ۵- یدیعوت احرنوت: ۲۵ دسامبر ۱۹۸۷
- ۶- روزنامه داوار ۴ فوریه ۸۸
- ۷- مقاله " فریاد در گلو فشرده فلسطینی ها" لوموند دیپلوماتيك ژانویه ۸۸
- ۸- رادیو صدای اسرائیل ۵ فوریه ۱۹۸۸
- ۹- هیرالد تریبون ۲۲ ژانویه ۱۹۸۸
- ۱۰- جرورالم پست ۵ فوریه ۸۸
- ۱۱- یدیعوت احرنوت: ۱۰ ژانویه ۸۸
- ۱۲- داوار ۵ فوریه ۸۸
- ۱۳- هاداشوت: ۵ فوریه ۱۹۸۸
- ۱۴- معاریف ۵ فوریه ۱۹۸۸
- ۱۵- معاریف ۲۹ ژانویه ۱۹۸۸
- ۱۶- هآآرتز ۵ ژانویه ۱۹۸۸
- ۱۷- داوار ۱۰ فوریه ۱۹۸۸

## يك پزشك اسرائیلی : "میکوشم آنرا فراموش کنم..."

روزنامه ی‌دیعوت احرنوت، چاپ تل‌آویو، در شماره ۱۵ فوریه ۸۸ خود سخنان يك پزشك اسرائیلی را که اخیراً در دوره مأموریت نظام وظیفه خود را در بازداشتگاه انصار شماره ۲ واقع در نوار غزه سپری نموده چاپ کرده است که می‌خوانید:

"من همیشه در دوره مأموریت نظامی سالانه خود را با خستگی و کمر شکسته به پایان بردم اما این بار روحیه‌ام بود که خرد شده بود. این سه هفته، دشوارترین دوره زندگی من بوده است. من اروپائی الاصل هستم و یادم هست که پدرم از رنجبائی که طی جنگ جهانی دوم در آنجا تحمل کرده بودند صحبت میکردند. من هرگز تصور نمیکردم وحتى در تاریکترین خیال من هم نمی‌گنجید که روزی ما یهودیان بتوانیم آنچه را که آلمانها بر سر ما آورده بودند برسر ملت دیگری آوریم. ما کوره‌های آدم‌سوزی نمی‌سازیم. ما دارای سیستم سازمان یافته قتل عامهای جمعی نیستیم، اما از آن نیز چندان فاصله نداریم..."

به شلاق بستن‌ها، تحقیرها، من آنها، (فلسطینی‌ها)، رادیدهام که سراپا خیس، آغشته به لای ولجن، سر تا پا پوشیده از داغمه شلاق، دستها به گردن انداخته، چشم‌ها بسته پیش من آورده شدند. آثار ضرب را روی دستها، پاها، کمر وحتى روی سر مشاهده کردم. سرایان آموختمانند که چگونه ضرباتی وارد آورند که درد عمیق ایجاد کند، اثر برجا بگذارد ولی کشنده نباشد (۰۰۰) اکثریت کسانی که به بازداشتگاه می‌آوردند قبلاً کتک خورد می‌بودند (۰۰۰) آنها که دستشان شکسته بود من نمی‌توانستم تحویل بگیرم. انصار شماره ۲ يك بازداشتگاه موقت بود نه يك بیمارستان.

خوشحالم که از آنجا بیرون آمدم (۰۰۰) خوب بیاد دارم که روزهای اول برایم خیلی سخت بود، بخصوص شبها که از ناراحتی و کابوس از خواب می‌پریدم. کم‌کم دارم آن حالت را پشت سر میگذارم و میکوشم فراموش کنم که مدتی در آنجا بسر بردم.

## مشاهدات عینی در ساحل غربی وغزه

از ۸ دسامبر ببعده، هرروزه مطبوعات، رادیو تلویزیون، تکان دهندترین اشکال سرکوب قیام فلسطینی ها، در سرزمینهای اشغالی را منعکس کردند. سونیاد ایان (استاد دانشگاه پاریس ۷)، پل کسلر وژاک پاریزی (فیزیکدان در کلژ وفرانس) از ساحل غربی وغزه دیدن کردند. آنها در زیر، صحنه‌های خشونت آمیزی را که خود شاهد بود مانند بازگو می کنند و سخنان شاهدان عینی را که جمع آوری کردند گزارش می نمایند. باید گفت که سرکوب علیرغم شدت و افراط خود، چیزی از اراده فلسطینی ها نکاسته است. مقاومت آن‌ها نشانگر محتوای سازماندهی و وحدتی است که از این پس برای اشغالگران اسرائیلی مسأله‌های واقعی است و هرگونه هوس بازگشتن به راه حل فریبکارانه خود مختاری را، نقش بر آب می سازد.

دیدار ما از اسرائیل و سرزمینهای اشغالی از ۱۰ تا ۲۰ ژانویه ۸۸ بدنبال ۵ سفر قبلی ما طی سال ۸۴ تا ۸۷ و در چارچوب فعالیت‌های مرکز همکاری با دانشگاه

بیرزیت " (۱) صورت گرفت . این بار ما خود را در شرایطی جدید یافتیم که در نتیجه " انقلاب سنگها " بطور ریشم‌های با گشته فرق داشت . انقلابی که از یک ماه پیش آغاز شده بود و مانند لکه روغن ، هر روز امتیاش در نوار غزه و ساحل غربی گسترده و و گسترده تر میشد .

با ورود به اورشلیم ( قدس ) ، سریعاً متوجه شدیم که جو با گشته فرق کرده است . در قسمت شرقی قدس ، هیچ مغازه‌ای باز نبود . در سرزمینهای اشغالی یک اعتصاب کامل سه روزه آغاز شده بود . مغازه‌ها ، هدگی بسته بودند و تقریباً هیچ اتومبیلی در حال حرکت دیده نمی شد . نخستین مشغله ذهنی ما این بود که از وضع زندانیان اطلاع پیدا کنیم .

قبل از دسامبر ۱۹۸۷ ، در زندانهای اسرائیل ، تقریباً بطور دائم ۴۲۵۰ زندانی سیاسی فلسطینی وجود داشت . در نیمه ژانویه ۸۸ به تعداد آنها ۱۵۰۰ نفر اضافه شده بود . بر اساس اطلاعاتی که ما توانستیم بدست آوریم این تعداد جدید تقریباً بدین نحو در زندانهای زیر توزیع شده بودند : ۷۲۰ نفر در زندان عطیت نزد یک حیفا ، ۴۴۰ نفر در بازداشتگاه " انصار شماره ۲ " که ارد و گاهی اسبیت از چادر و رواز یکسال پیش در غزه برپا شده ، ۱۵۰ نفر در ضهریه ، بازداشتگاهی که اخیراً در نزدیکی شهر خلیل ( هیرون ) ایجاد شده با ۱۰۰ نفر در فـراء در نزدیکی نابلس ( ۲ ) و ۱۰۰ نفر در بازداشتگاه دیگری که باز اخیراً بنا شده در نزدیکی تولکرم .

برای ملاقات با زندانیانی که اخیراً آزاد شده بودند روانه بیت لحم شدیم . روز ۱۴ ژانویه بود که اعتصابات سراسری را متوقف کرده بودند تا اهالی بتوانند بـه خرید ما محتاج خود بپردازند . ما باید با یک روزنامه نگار جوان بنام نجیب که اخیراً از زندان ضهریه آزاد شده بود ملاقات میکردیم . او ما را به دفتر کار خود برد و در آنجا منتظر دو جوان دیگر ماندیم : یکی " زیاد " عضو شورای دانشجویان دانشگاه بیت لحم و دیگری فردی بنام " حمید " . این هر سه جوان اساساً اهل ارد و گاه پناهندگان " همیشه " بودند . آنها هر یک ، بارها زندان را تجربه کرده بودند . " نجیب " ده بار ، " زیاد " پنج بار ، " حمید " دو بار . حمید ۲۱ ساله طولانی‌ترین سرگذشت را با اغصیل جزئیات برای ما نقل کرد . ملاحظات رفقای او بخوبی نشان میداد

که آنها تجربه مشترکی داشته‌اند . اینک سرگد شتی که او برای ما گفت :

او را در ۲۲ دسامبر گد شته دستگیر کردند . سرپازان به خانهاش ریخته — ه  
واورا با کسان دیگر به قرارگاه کل ارتش در بیت لحم بردند . کتک زدن از داخل  
اتوبوس شروع شد . در قرارگاه ، ۲۴ ساعت او را در اطاقی در بسته انداختند . در  
آنجا ۵ پسر بچه کمتر از ۱۲ سال هم بودند . بعنوان غذا هیچ چیز جز نان و ماست  
به آنها داده نمیشد . آنهم یکبار در هر ۲۴ ساعت . بزرگتر از ۱۵ سال ها چیزی  
برای خوردن نداشتند . اجازه نداشتند به توالت بروند . اگر چنین تقاضای را —  
میکردند به آنها جواب داده میشد : " تو شلوارتان بکنید " . افسری حتی اضافه  
میکرد که " مادران شما یاد داده که تمیز باشید اما اتوریته من از او بیشتر است " .  
پس از ۲۴ ساعت ، حمید را با ۵۵ زندانی دیگر سوار اتوبوس کرده به  
بازداشتگاه بردند . به همه دستبند های محکمی زد بودند که با حرکت زندانیان  
دستبند ها محکمتر می شد . چشمها بسته بود . ممنوع بود حرف بزنند یا سیگار بکشند  
در حین انتقال به اردوگاه ، چندین بار آنها را زدند . با ورود به شهر خلیبیل  
( هبرون ) آنها را دوباره با سیلی ، لگد و ضربات باتون پذیرائی کردند . هنگام  
ورود به بازداشتگاه آنها را لخت کردند تا مورد " آزمایش پزشکی قرار بگیرند . این  
آزمایش پزشکی ، بنا به قول حمید ، در واقع چیزی نبود جز نگاهی به سراپای زندانیان  
برای اینکه ببینند آثاری از بیماری مسری در او وجود ندارد . وقتی پزشکان آثار ضرب  
را بر بدن زندانیان مشاهده مینمودند سفارش میکردند که مدت زندان ما افزایش یابد  
تا آثار ضرب هنگام خروج از زندان ، برطرف شده باشد .

این زندانیان ، اولین غذای خود را جز عصر روز ورود خود به ضهریه دریافت  
نکردند یعنی ۴۸ ساعت پس از بازداشت . سپس آنها را مجبور کردند که تا ساعت  
۲/۵ صبح بیدار بمانند . در سلولی تقریباً ۱۰۰ متر مربع ۱۵۳ زندانی انباشته  
شده بودند ( همه بازداشتگاه ها اشباع شده‌اند : یک سلول ۲۰ متر مربعی ۵۰ —  
زندانی را در خود جا میدهد ) .

حمید میگوید که بازجویی از روز سوم شروع شد . برای اینکه زندانی را —  
بازجویی ببرند یک گونی که بوی تنغآوری میدهد و آثار استغراغ و خون و ... بر آن

دیده می شود را بر سر او میکشند . دستهایش را می بندند و او را کشان کشان " مثل " خر " می برند . او منتظر می ماند . در این انتظار که بقول حمید دیتواند شش، دوازده یا حتی ۲۴ ساعت طول بکشد ، زندانی مجبور است که بدون حرکت و در حالت ایستاده باقی بماند و گرنه با شلاق به او می زنند . در این حالت نه به زندانی غذا میدهند و نه آشامیدنی . او حق تواله رفتن ندارد . خارج از اطاق بازجویی ، با زندانی بد رفتاری می شود . هدف از بازجویی ، اعتراف به پرتاب سنگ است و یا مجرم شناختن خود به تحریک تظاهرات . بازجویی غالباً " با فریاد جیغ ، دشنام و تهدید همراه است . مقصود اینست که زندانی اثر انگشت خود را پای متنی بزیان عبری که از پیش تهیه شده بگذارد در حالیکه از محتوای آن هیچ نمی داند . بعضی فلسطینی ها در نتیجه ترس چنین " اعترافی " را می پذیرند . حمید خود شش بار مورد بازجویی قرار گرفته است .

### پزشکان و شرکت در جرم؟

پس از بازجویی ، زندانیان را به سلولی می برند که بندرت همان سلول اولی است . از یک سلول به سلول دیگر می برند اما شرایط زندگی در آنها یکسان است همه جا تغذیه بد است . کم خوابی رایج است ، تشکها طی روز روی هم انباشته اند و جز چند ساعت محدود ( که بقول حمید از ۳ ساعت تجاوز نمی کنند ) خوابیدن مجاز نیست . طی روز فقط یکبار می توان به تواله رفت آنهم تنها پنج دقیقه بقیه اوقات باید در سطلی که وسط سلول گذاشته و جلوی آن پرد ای کشید مانند قضای حاجت کرد . کم نیست مواردی که سطل پر می شود و کف سلول کشیف می شود . بیماری ( زکام و سرماخوردگی در زمستان ) بین زندانیان فراوان است ولی نسبت به آنها مراقبت ، طبی اعمال نمی شود . حتی کسانی که باید تحت عمل جراحی قرار گیرند این امکان را نمی یابند . مصاحبه شوندگان ما نوعی همدستی پزشکان و نظامیان مسؤول زندان در ارتکاب جرم علیه زندانیان را مورد تأکید قرار میدهند . حمید امتحان میکرد که در بازجویی مقاومت کرده و به هیچ چیز اعتراف نکرده

است . او سرانجام پس از دو هفته آزاد شده بود و مثل دیگر رفقایش انتظار این را داشت که دیر یا زود ، بار دیگر دستگیر شود . سرگذشت دردناکی که برای ما بازرگو کرد ، بقول خودش ، باو کمک می‌دهد تا یکبار دیگر برای چنان تجربهای آمان‌گی کسب کند .

مازن قبطی ، وکیل دادگستری در اورشلیم ، که چند روز بعد با ما ملاقات کردیم و مورد از اعمال شکنجه با شوک الکتریکی در زندان فرعا رابه اطلاع ما رساند (۳) . ما مانند همه کسانی که " انقلاب سنگها " را به چشم دید هاند کوشیدیم بفهمیم مفهوم واهداف این جنبش چیست . تراکتهائی که در شهر رام الله در آغاز ماه ژانویه پخش شده ، جواب را برای ما آورد . همگی امضای " نیروهای ملی رام الله " را داشت . برخی از این تراکتهای به شعارهای سیاسی عام محدود می شد مانند " زنده باد قیام ملت ما " ، " زنده باد دولت ملی مستقل فلسطین " ، " زنده باد ساف تنها نماینده قانونی ملت ما " . با وجود این ، تراکتهای دیگری بود که محتوای مشخصی نداشت . به اعتصاب عمومی ، به پرتاب سنگ علیه اشغالگران ، به سوزاندن لاستیک برای ایجاد باریکاد ، به برافراشتن پرچم فلسطین روی تراس خانه ها ، روی تیر چراغ برق " فراخوان میداد و اجرای خواستهای زیر را مصرانه مطالبه میکرد : سیاست " پنجه آهنین " باید متوقف شود / بازداشتگاههای دستجمعی باید تعطیل گردد / تمام افرادی که در نتیجه حوادث اخیر بازداشت شده اند باید فوراً آزاد شوند / شوراهای محلی کنونی ( که توسط اشغالگران منصوب شده اند ) باید کنار گذاشته شوند و بجای آنها " شوراهای شهر وروستا ، که بطور دمکراتیک توسط اهالی انتخاب می شوند " جای آنان را بگیرند / مالیاتهای اضافی که به مغازه داران فلسطینی تحمیل شده باید لغو گردد و غیره و بالاخره در یک کلام " پایان دخالت مقامات اشغالگر در امور داخلی فلسطینی ها " .

ما ۱۶ ژانویه از غزه دیدن کردیم . از همان لحظه ورود به شهر ، وجود فقر پریشانی و نابسامانی چنان چشمگیر بود که غزه را با هیچ جای دیگر ، نه فقط با مناطق همسایه اش در جنوب اسرائیل که بتازگی از آنجا عبور کرده بودیم بلکه حتی با مناطقی اشغالی ساحل غربی هم قابل مقایسه نبود . آرزوی باران می بارید و سطح زمینی

که فاقد جدول برای عبور آب بود سراسر تبدیل به گودالهای آب شد و بود . تمام مغازه‌ها بسته بود کمتر کسی در خیابان دیده می شد و اتومبیل‌ها بسیار کم . دستجاتی از سربازان را بخصوص در حول وحوش اردوگاه‌های پناهندگان و جلوی بیمارستان اصلی شهر ( شفا ) دیدیم . حدود ساعت ۵ بعد از ظهر ، شهر کم‌کم اینجا و آنجا ، به جنب و جوش می افتاد چون حکومت نظامی اردوگاه‌ها : موقتاً برداشته می شد تا اهالی شهر بتوانند برای سکنه اردوگاه‌ها مواد غذایی بیاورند . در آنروز نظاهراتی رخ نداد .

اوضاع بهبودی نیز بسیار بد است . بلد وزرهای ارتش که بداخل اردوگاه نفوذ میکند گاه کانال کشی های آب وفاضل آب را خرد می کند ( مثلاً " در اردوگاه نصیرات ) . همچنین گاه تیغه بین خانه ها و شیروانی ها توسط ارتش که هنگام دستگیری از هیچ اقدام خرابکارانه ریخ نمی ورزد تخریب می شود . يك در مانگاه وابسته به صلیب سرخ که در کنار يك اردوگاه واقع شده بسته شده و کارکنان آن تبعید گشته اند . علی رغم اینکه خط تلفنی در مانگاه ، عمدتاً قطع شده بود حیدر عبدالشافی رئیس صلیب سرخ غزه ، که این قضایا را برای ما نقل کرده ، به مقامات اسرائیلی مراجعه نمود و ولی نتیجه ای ندانده است . ارتش همچنان از مراجعه به در مانگاه جلوگیری کرده به آمبولانس اجازه حرکت نداد و با یکی از کارکنان در مانگاه با خشونت رفتار کرده و او را مجروح نموده است .

ما توانستیم از يك بیمارستان کوچک که ده ها تن از مجروحین جوان ، اخیر در آن انباشته شده بودند دیدن کنیم . بمحض ورود ما را به سالن های طبقه همکف که ویژه مرد ها بود بردند . ما در وقت از سه سالن را دیدیم که در هر يك حدود ۱۵ بیمار وجود داشت . موقع صرف شام بود توجه شدیم که دوستان و خانوانه بیماران هم هستند . ما از نزدیک ۸ مجروح را دیدیم که غالب آنها بین ۲۰ تا ۲۵ سال داشتند . شش نفر شان با گلوله مجروح شده بودند که عموماً به پاهایشان اصابت کرده بود . نفر هفتم جوان ۱۷ ساله ای بود که نظر ما را بخصوص جلب کرد . پدر و برادر این جوان ما جارا برای ما اینطور نقل کردند . پنج روز پیشتر ، این جوان طی يك نظاهرات ، از ناحیه مچ پای راست مجروح شده بود ، با وجود این در آن لحظه می توانسته پای



خود را تکان دهد . برای اولین بار در بیمارستان بستری شده و سه روز بعد ( ۴ ) به ارد و گاه پناهندگان محل سکونت خود بازگشته است . همان روز سرپازان بزور وارد خانقاه می شوند در حالیکه پدر و مادرش ، برادر بزرگ و زن برادرش در خانه بودند . سرپازان که او را می بینند روی تخت دراز کشیده است شروع به زدن او می کنند افراد خانواده که می کوشند مداخله نمایند نیز مورد ضرب و شتم قرار می گیرند . بدنبال این حادثه زن برادرش که حامله بود جنین اش تلف می شود و دندان پدر در نتیجه ضرب قنداق تنگ می شکند . نظامیان که می خواستند زخمی مزبور را با بازجوئی کنند پانسمان پایش را باز می کنند و موج پایش را پیچ می دهند و او بیهوش می شود . سرپازان برای اینکه بفهمد که او آیا به بیهوشی تظاهر می کند یا نه سوزن به پایش فرومی کنند . وقتی نگاه کردیم دستها و پاهایش واقعا خلی ورم کرده بود و جای سوزن در جاهای متعدد دیده می شد . از طرف دیگر هیچ احساسی در پای راستش نداشت و نمی توانست آنرا تکان دهد . او که بشدت دچار وحشت شده است بیدارنگ باید تحت مراقبت روانپزشک قرار گیرد .

### ریختن تظاهرکنندگان به دریا

سپس ما را به طبقه اول راهنمایی کردند که مخصوص زنان بود . در پای پلهها پرستاری را دیدیم که برایمان نقل کرد زن حامله ای که می خواسته اند او را به نشان دهند ( او پس از استنشاق گاز اشک آور در بیمارستان بستری شده بود ) - جنین اش تلف شده و به خانه خود برگشته است . در همان لحظه ، پرستار دیگری سررسید که از يك ارد و گاه پناهندگان باز میگفت . او برای ما حادثه ای را تعریف کرد که اخیرا اتفاق افتاده و اهالی آن ارد و گاه برایش نقل کرده بودند : یکشنبه آنها توسط سرپازان از خواب بیدار می شوند سه مردانی را که نشان از ۱۶ سال بیشتر بوده به ساحل دریا می برند . جوانترها یعنی افراد ۱۶ تا ۲۴ ساله را در ردیف اول نزدیک به دریا و مسن ترها را در ردیف دوم ، پشت سر آنها و در رتبه اول قرار میدهند . نظامیان آنها را مورد خطاب و عتاب قرار میدهند و آنها را تهدید

دیکند که اگر دوباره به تظاهرات دست بزنند به دریا ریخته خواهند شد . سپس آنها را مجبور می کنند که به عرفات دشنام دهند .

x x x

موقعیکه به غزه برگشتیم ، نظامیانی که در پست کنترل " ارس " قرار داشتند مانع ورود ما به منطقای که می خواستیم برویم شدند . پس از یکساعت چانه زدن - سرانجام به ما اجازه دادند که به راهمان ادامه دهیم . در بازگشت وقتی از همین پست کنترل رد می شدیم ، سربازی که تا کسی ما را کنترل میکرد گفت که آنها ( ما مورین پست کنترل ) آنروز صبح اشتباه کرده اند که به ما اجازه دادند عبور کنیم چراکه منطقه غزه به روی اشخاص خارجی ، بااستثنای کسانی که برگه عبور خاص در دست داشته باشند ، بسته است .

سونیا دایان ، پل کنسلی و ژاک پاریزی

- ۱- رجوع شود به لوموند دیپلوماتیک ژوئیه ۸۴، آوریل ۸۵ و آوریل ۸۷ (یا) - آوری میشود که در سرزمینهای اشغالی و دانشگاه عربی وجود دارد یکی دانشگاه "بیرزیت" و دیگری دانشگاه "النجاح" م ۰)
- ۲- در باره شرایط بازداشتگاه فراه رجوع کنید به لوموند دیپلوماتیک آوریل ۸۵
- ۳- طی سالهای اخیر، بنظرمی رسد که اینگونه رفتار با زندانیان (شوک الکتریکی) بندرت در زندانهای اسرائیل رخ داده است باستانای بازداشتگاه خیام و دیگر بازداشتگاههای "منطقه امنیتی" جنوب لبنان ۰ (نگاه کنید به مقاله مسال لوموند دیپلوماتیک آوریل ۸۶)
- ۴- توقف محدود ۳ روزه در بیمارستان ظاهرا " بصورت قاعده ای درآمده که علت آن کمبود جا، تعداد روزافزون مجروحین است، که خواستار بستری شدن هستند ۰
- ۵- مصاحبه شوندگان فلسطینی ما، روی تاثیر زیان آور برخی از گازهای اشک آور که نوعی حالت خفگی ایجاد می کند وسقط جنین را باعث میشود، بسیار تأکید میورزیدند ۰ بنظرمی رسد که بدنبال حوادث اخیر واقعا "تعداد سقط جنین ها بالا رفته بویژه در مورد زنانی که سه تا چهار ماهه حامله اند ۰ مسلما" مشکل است که در مورد این حوادث حاملگی، علل روانی یا فیزیولوژیک را اعلام کرد ۰ اما در مورد این گازها باید گفت که ما در آنجا فشنگهایی را دیدیم که در صحنه رگیریه ای هفته دوم ژانویه، توسط اهالی جمع آوری شده بود واین عبارت بر آنها نقش بسته است: " ساخت آمریکا، ۰۰۰ ۱۹۸۸"، علاوه براین، نوشته روی فشنگ مشخص میکند که گاز درون آن بسیار خطرناک است، ونباید در یک محدوده بسته، بکار رود ۰

## — وحدت و اشکال جدید سازماندهی، کمیته های خلقی فلسطینی و نقش ساف

اسحاق رابین وزیر دفاع می گفت: " ما چاره دیگری جز سرکوب شورشنداریم فلسطینی ها قبل از ما خسته خواهند شد " ( ۱ )  
هشتم مارس، قیام سرزمینهای اشغالی ( و بقول فلسطینی ها " انتفاضه " )  
وارد چهارمین ماه خود می شود و امروز دیگر روشن است که این قیام اشکالی بدیع  
و بی سابقه از سازماندهی را پدید آورده که در تحکیم وحدت ( فلسطینی ها ) نقش  
ایفای کند .

در هر دهکده، حتی در دور افتاده ترین آنها، کمیته های خلقی محلی  
تشکیل شده است . در برخی مناطق غیر مرکزی اهالی راه ورود به منطقه خود را ( بر  
سربازان ) بسته اند . از کار کردن در اسرائیل امتناع ورزیدند و دهکده خود را  
" منطقه فلسطینی خود مختار " اعلام کردند . چنین بود وضع دهکده دیرالغصون  
در نزدیکی شهر تولکرم، دهکده ای با ۴ هزار سکنه که بالاخره در ۱۲ فوریه توسط  
ارتش اسرائیل محاصره شد .

بخش عربی اورشلیم که در ۲۹ ژوئن ۶۷ ضمیمه اسرائیل اعلام شد نیز از شورش  
برکنار نمانده است . شهردار اسرائیلی قدس مجبور شد اعتراف کند که در این شهر  
" دوباره وحدت یافته " ، آن " همزیستی " معروف بین دو جامعه یهودی و عرب  
که تبلیغات اسرائیلی اینقدر بدان لاف زدند - دیگر مرده است . نیروهای اشغالگر  
نسبت به بخش شرقی ( عرب نشین ) قدس، هم اکنون همان رفتاری را دارند که  
نسبت به بقیه مناطق ساحل غربی .

در سرزمینهای اشغالی ( ۶۷ بعد ) ، تا کنون دوباره، سیستم رهبی — ری  
بوجود آمده بود ابتدا " جبهه ملی فلسطین " ( که در ۱۹۷۲ منحل شد ) و " کمیته  
هدایت ملی " ( انحلال در ۱۹۸۲ ) بودند که اعضای آنها فعالیت علنی داشتند  
اما امروز فرماندهی واحد ملی که مشکل از جوانان است، بطور کامل سری است .

اتوریته آن بر تمام اقشار جمعیت " داخل " اجرا می شود و فعالیت خود را در هماهنگی با سازمان آزاد ییختر فلسطین به پیش می برد . شعارهای آن یا توسط تراکتیهای که پلی شده یا با کامپیوتر چاپ شده است در دهها هزار نسخه توزیع می شود و همچنین از طریق بلندگوهای مساجد تکرار می گردد .

کمیته ها: تصمیم به اعتصاب می گیرند ، ساعات باز بودن بسته بودن مغازه ها را تعیین می کنند و کمک به خانواده های قربانیان سرکوب را سازماندهی می نمایند . داوطلبان از مغازه دارها کمک مالی و جنسی جمع می کنند . حسین خلیل ، پدر یک خانواده عالوار که در اردوگاه پناهندگان قلندیه ، نزدیک رام الله ، زندگی می کند میگوید : " در جریان آخرین حکومت نظامی ، هر روزه ، دم در خانها یک پاکت شیر خشک برای بچه ، قوطی های کنسرو ، قطعات گوشت ، شکر و چای می یافتیم . من مطمئنم که کمیته خلقی محلی ، ترتیب چنین کمکی را داده است . "

جوانی از همین اردوگاه بنام موسی شرح میدهد که چگونه " در شب در ساعات حکومت نظامی ، آنها موفق می شدند که مواد غذایی را به اشخاص نیازمند برسانند بی آنکه سربازان اسرائیلی متوجه شوند " . کمیته ها مراقبتند که چگونه خسارت وارده بر مغازه داران را جبران کنند . مغازه داران از پرداخت اجاره مغازه تا زمانی که اعتصاب ادامه دارد معافند .

### مترسك خمینیس

فراخوان کمیته ها جهت خودداری از کار در اسرائیل ، مورد استقبال وسیع قرار گرفته با وجود آنکه این تحریم ، فداکاری رنج آوری را برای کارگران فلسطینی به همراه دارد . اما زیانهای وارده بر اقتصاد اسرائیل نیز قابل ملاحظه است . طی تظاهرات ، پزشکان و دانشوران در حال بسیج بسر می برند ، دستورات بسیار آکید هرگونه استفاده از سلاح گرم را ممنوع می کند در حالیکه مردم آنها دارند . با وجود این ، گاه تراکتیهای با امضای فرماندهی واحد ملی صادر می شود با چنین تیتری که " چگونه کوکتل مولوتف بسازیم "

وحدت بین گروه‌های مختلف فلسطینی، تا امروز، نمونه است. تلاش سخنگویان اسرائیلی برای علم کردن تهدید يك "خمينیسم فلسطینی" به شکست انجامیده است. نفوذ اسلام‌گرایان محدود مانده و نقش آنان با نقش همقطاران ایرانی لبنانی یا مصری شان بسیار متفاوتست. تراکتهای مشکوکی که با امضای "مقاومت اسلامی" پخش شده و مغازه‌داران را به قطع اعتصاب "جهت تقویت موقعیت خود" و کارگران را به از سرگرفتن کار در اسرائیل "جهت آماده شدن برای مرحله بعدی مبارزه" فراخوانده، غالب اوقات بعنوان تراکتهای ساخته و پرداخته دستگاه اطلاعاتی اسرائیل شده است.

زنها نقش مهمی در کلیه کمیته‌های محلی بوده دارند. در کنار نمایندگان نیروهای مختلف سیاسی (الفتح، جبهه خلق، جبهه دمکراتیک، حزب کمونیست-فلسطین، جریان اسلامی) یا نیروهای اجتماعی (دانشجویان) نمایندگان زنان نیز در کمیته‌ها حضور دارند. در تراکتهای فرماندهی ملی، دائما "زنان را به مشارکت در جنبش، دست در دست شوهران، برادران و فرزندان فرامی‌خوانند. اختلافات بین سازمانهای مختلف، در نتیجه مبارزه مشترک از میان برخاسته است. دو فرستنده رادیو که خطاب به سرزمینهای اشغالی برنامه پخش می‌کنند یکی متعلق به ساف از بغداد و دیگری طرفدار سوریه از دمشق، علیرغم بعضی جدلهای در مجموع، شعارهایی همسورا تکرار می‌کنند که عبارتست از تشدید مقاومت و تحریم فرآورد های اسرائیلی. اگر تمام فراخوانهای این برنامه‌ها جنبه عملی بخود میگرفته، اسرائیل بايك "جهنم" مواجه می‌گشت. این تعبیر را اخیرا "رابین، وزیر دفاع بکار برده است.

عناصر هوادار اردن هم با لهجهای شبیه یا سرعزفات صحبت می‌کنند. دیگر هیچ اختلاف جدی بین تزهائی که روزنامه النهار (چاپ بخش شرقی اورشلیم و مورد حمایت مالی اردن) مطرح می‌کند با تزهائی روزنامه‌هائی که سخنگوی ساف تلقی می‌شوند وجود ندارد. اعضای متعددی از شوراهای شهرداریها که توسط اسرائیلیها در رام‌الله، در البیره یا جاهای دیگر منصوب شده بودند، استعفا کردند. اتحادیه‌های روستائی که در اواخر سالهای ۱۹۷۰ توسط اشغالگر

بوجود آمد و وظیفه آن اجرای سیاست همکاری با اسرائیل بود از هم فروپاشید دانند جمیل الاملح رئیس اتحادیه هبرون، که مهمترین اتحادیه است، تشکیلات خود را منحل نمود و است. او که قبلاً نسبت به ساف و رهبران آن برخورد تنیدی داشته گفته است که تشکیلات او نمی تواند در شرایط کنونی به فعالیت خود ادامه دهد (۲) او اسرائیل را بخاطر عدم انعطاف و رد مذاکره با سازمان یاسر عرفات مورد انتقاد قرار داده است حتی معتمدین محلی که بخش هضم شده سیمای سیاسی اسرائیل را تشکیل میدادند از صحنه ناپدید شدند.

بنابراین، اعمال سیاست سرکوب توسط اسرائیل، موفق شده است که بازهم جمعیت بیشتری از سرزمینهای اشغالی را به سازمان آزادیبخش فلسطین پیوندزند. رابین به رهبران محلی شورش، پیشنهاد کرده است که بمحض آرام شدن اوضاع با اسرائیل به مذاکره بنشینند اما هیچ جوابی دریافت ننموده است. علت چیست؟ جواب را ژنرال شوئل گورن که در دفتر وزیر دفاع، هماهنگی فعالیتها در داخل سرزمینهای اشغالی را برعهده دارد میدهد: "هیچکس (از میان این مسؤولین فلسطینی) آماده نیست وارد مذاکره شود. همگی میگویند، رهبری آنها سازمان - آزادبخش فلسطین است" (۳)

## آمنون کاپولیک

پاورقی ها :

- ۱- ها آرتز، ۸ فوریه ۱۹۸۸
- ۲- ها آرتز، ۷ فوریه ۱۹۸۸
- ۳- دیدעות: اخرنوت، ۱۵ فوریه ۱۹۸۸

## ریشه سیاسی خطرناکترین تهدید علیه ملت ماست

مجله فلسطینی "الیوم السابع" که به بزبان عربی در پاریس منتشر می‌شود در آخرین شماره خود (۸ فوریه ۱۹۸۸) مصاحبهای با دکتر جرج حبش پیرامون قیام کنونی توده‌های فلسطینی انجام داده است که ما به منظور آشنائی هموطنان مبارز با قضیه فلسطین، آنرا ترجمه کرده و انتشار میدهیم:

س: قیام مردم فلسطین سطح فعالیت مبارزاتی را ارتقاء داده است.

ارزیابی شما از این قیام چیست و انگیزه‌های آن کدامند؟

ج: در گفتگو از انگیزه‌های این قیام میتوان به عوامل عینی، عوامل ذهنی

و عوامل مستقیم اشاره کرد. علت پایهای و نخستین این قیام عامل عینی است که

عبارتست از اشغال ورنجی که ملت ما در نتیجه آن تحمل می‌کند: رنج از انواع

ستمهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که از سال ۱۹۶۷ بعد ادامه داشته و

دارد. اخیراً اسرائیل دست به اقداماتی زده بود که رنج‌های ملت ما را دوچندان

میکرد، منظورم پیاده کردن سیاست "مشت‌آهنین"، افزایش مالیاتها و دست

اندازی و کنترل هر چه بیشتر مؤسسات اقتصادی فلسطینی که مهمتر از همه شرکت برق

اورشلیم است. این عامل عینی با عامل ذهنی (یعنی رشد کمی و افزایش فعالیت

سازمانهای فلسطینی داخل میهن اشغالی) پیوند یافته است. پس از خروج



کادوهای رهبری انقلاب فلسطین از بیروت، سازمانهای فلسطینی کوشیدند  
 فعالیت خود را در داخل میهن اشغالی متمرکز کنند. پیوند مستحکم این دو عامل  
 عینی و ذهنی در شروع این قیام پرشکوه و خستگی ناپذیر، نقشی ایفا کرد که امروز  
 میهن ما شاهد آنست. علاوه بر اینها، در سال ۱۹۸۷ عوامل مستقیم و حوادثی  
 رخ داد که صرفاً برای نمونه به چند تایی آن اشاره می‌کنم:

اولاً "انعقاد دوره، مجلس ملی فلسطین (دوره وحدت) در الجزایر،  
 سپس انعقاد کنفرانس سران عرب در عمان (اردن) که به کنفرانس "آشتی و توافق"  
 موسوم گشت و قضیه فلسطین را، قضیهای درجه دوم و نه عمده (آنطور که در کنفرانسهای  
 قبلی سران عرب مطرح میشد) تلقی کرد و بالاخره حادثه جنایتکارانه ای که کلن-  
 های صهیونیست علیه جمعی از کارگران فلسطینی در غزه انجام دادند. مجموعه  
 این عوامل قیام را توضیح میدهد. ما ایلم که روی عامل عینی تأکید کنم چرا که در -  
 نتیجه اشغال، مردم ما کار به استخوانشان رسیده است و حاضر نیستند با  
 اشغالگر همزیستی نمایند. بنابراین اولین ویژگی این قیام فراگیر بودن آنست که از  
 کلیه قیامهای سابق بزرگتر و فراگیرتر است. مردم ما با کلیه اقشار و طبقات و  
 دستجات در آن شرکت دارند. این قیام کلیه مناطق ساحل غربی و نوار غزه و بخش  
 فلسطین اشغالی سال ۱۹۴۸، کلیه شهرها و شهرکها، و دهات و اردوگاهها  
 و نیز کلیه افراد، کودکان، جوانان و زنان و سالمندان را در بر گرفته است. توضیحی  
 که من می‌توانم از علل این قیام و ویژگیهای آن بدهم، اینهاست.

س : هستند کسانی که می کوشند قیام را خود بخودی یا تحت رهبری یک  
جریان مذهبی و یا آنرا بدون ارتباط با ساف نشان دهند . نظر شما در این مورد  
چیست؟

ج : اولاً " در مورد جریان مذهبی . این جریان یکی از نیروهای است  
که خود را خارج از چارچوب ساف نمیداند . این جریان که علیه اسرائیل سلاح  
بدست گرفته جزء جدائی ناپذیر مقاومت فلسطین علیه اشغال است و جزئی از ساف  
محسوب می شود که اخیراً ( پس از انعقاد مجلس ملی فلسطینی در الجزایر آوریل  
۱۹۸۷ - م ۰ ) در کلیه ارگانهای مرکزی ساف چه در مجلس ملی و چه در شورای  
مرکزی شرکت دارد .

اما در مورد خود بخودی بودن قیام : من با این نظر موافق نیستم بلکه گاملاً  
برعکس ، این قیام علاوه بر خصلت فراگیر بودن ، حقیقتاً " سازمان یافته است و هیچ  
عاقلی نمی تواند تصور کند که این قیام بتواند برای مدتی بیش از دو ماه ، بدون  
سازمان رهبری کننده دوام بیاورد . درست است که این قیام از کلیه سازمانهای بزرگتر  
است و همه ملت را در بر گرفته و به حدی رسیده که روزاول تصورش نمی رفت اما کسی  
که به جزئیات فعالیت در سرزمینهای اشغالی آشناست بخوبی میداند که این قیام  
بخصوص ، توسط سازمانهایی که هم اکنون در چارچوب سازمان آزادیبخش فلسطین  
فعالیت می کنند طرح ریزی شده . اما آنها که " نغمه " خود بخودی قیام را  
سر میدهند ، تفسیر ویژه ، خودشان را دارند . چه انتظاری در این مورد از برخی

رژیم های عربی دارید ؟ چه انتظاری از نیروهائی که در قیام شرکت نکرد مانند دارید ؟  
 برای بسیاری از کسانی که نه از نزدیک و نه از دور با این قضیه رابطهای ندارند  
 این حادثه عظیم ، در سر آواراست . اینها بدنبال راه حلی میگردند تا عددمشکلت  
 خود را با این حرف که قیام خود بخودی است و هیچ تیروئی آنرا رهبری نمی کند ،  
 توجیه کنند . اما ، فراخوانها ، بیانیه ها ، و شعارها ، که از طرف رهبری قیام در داخل  
 مطرح شده همگی بوضوح ثابت می کنند که این قیام ، قیام سازمان آزاد پیخش،  
فلسطین ، نماینده قانونی و منحصر بفرد فلسطین است.

س : قیام همچنان اوج می گیرد . آیا میتوان پس از دو ماه که از شروع آن  
 می گذرد ، نتایج اولیهای را برای آن برشمرد ؟

ج : می توانم بگویم که تاکنون منجر به دستاورد های مثبت و اساسی و مهمی  
 شده است " و تازه اول کار است . " نتایج اولیهای که میتوان ذکر کرد عبارتند از :  
 ۱ - قیام ، قضیه فلسطین را در دستور کار مؤسسات بین المللی ، جامعه  
 بین المللی منجمله شورای امنیت قرار داد . و فکر میکنم که هم اکنون فراوانند کسانی  
 که قضیه فلسطین را ، دوباره ، قضیه شماره ۱ مطروحه در سطح بین المللی تلقی  
 می کنند که طبعاً در دستور کار کنفرانس گورباچف - ریگان در ماه مه آینده  
 خواهد بود .

۲ - این قیام ، اسرائیل را به انزوا دچار کرد . و مبالغه نیست اگر بگوئیم

که اسرائیل هرگز در چنین انزوایی قرار نداشته است حتی انزوایی که اسرائیل —  
در سال ۸۲، هنگام محاصره بیروت بدان دچار شد. انزوای سال ۸۲ دو علت  
داشت از یکطرف مقاومت قهرمانانه جنگجویان فلسطینی و از طرف دیگر تجاوز به یک  
کشور عربی مستقل (لبنان) . در آنجا جنگجوی فلسطینی اعجاب همگان را برانگیخته  
بود اما امروز کودکان و نوجوان فلسطینی .

۳ - قیام به هر گونه کوششی جهت ایجاد آلترناتیوی بجای ساف (کاری که  
غیر از امریکا و اسرائیل سوریه و لیبی و ۰۰۰ نیز هر یک بدلیلی میخواستند انجام  
دهند - م ۰) و نیز هر گونه کوشش جهت مشارکت اردن در نمایندگی ملت فلسطین  
پایان داد و امیدوارم که برای همیشه پایان داد باشد .

۴ - پشتوانه وحیثیت ساف را در بین توده ها چه فلسطینی و چه عرب و چه در  
سطح جهانی بالابرد و امید بسیار دارم که ساف از این موضوع استفاده کند و خط  
مشی خود را جهت به حرکت در آوردن جنبش ملی عربی راه بر اساس این قیام  
طرح ریزی نماید .

آثار این قیام به چهار نکته ای که گفته شد محدود نمی شود . از دیگر نتایج  
آن، بحرکت درآمدن جوامع عربی است . تظاهرات در مصر، مراکش، لبنان،  
اردن که خود آغاز جنب و جوش در جنبش آزاد یبخش عربی است . همچنین می توانم  
تصمیم نبیهری رئیس جنبش اهل (لبنان) د اثر بر پایان دادن به محاصره ارد و گاههای

فلسطینی در لبنان را یکی دیگر از نتایج قیام بدانم . طبعاً باید تحرك در افكار عمومی جهانی نیز مورد توجه قرار گیرد .

من بطور خاص می خواهم به قطعنامه‌هایی که شورای امنیت در سه جلسه اخیر خود اتخاذ کرده اشاره نمایم . در قطعنامه شماره ۶۰۵ سر آغاز يك تغییر کیفی در قطعنامه های شورای امنیت مشاهده می شود و آن اینکه برای اولین بار عبارت " سرزمینهای اشغال شده فلسطین " بکاررفته است و این نکته مهمی است شما میدانید که قطعنامه های مثبت متعددی در مجمع عمومی سازمان ملل و یا شورای امنیت را جمع به قضیه فلسطین به تصویب رسیده ولی این اولین بار است که از عبارت " سرزمینهای اشغال شده فلسطین " استفاده شده .

س : شما آینده این قیام و واهل استمرار آنرا چگونه می بینید ؟ و چه

شعارهای مرحله‌ای و استراتژیکی باید این قیام داشته باشد ؟

ج : پیش بینی من اینست که این قیام تا نیل به اهداف خود ادامه یابد

بدلایل زیر :

اولاً " توده‌های ما در برابر اشغال تسلیم نمی شوند و از آن به ستوه آمده‌اند

و خود آگاهند که هر روز نمی توان چنین قیامی را تدارک دید . بهمین دلیل است که

رهبری قیام پافشاری میکند که شعارهای قیام تحقق یابد . من این حرف را با

آگاهی کامل از شرایط عینی و دشواری که این قیام را احاطه کرده و نیز تصمیم دولت

اسرائیل به سرکوب آن، و همچنین شرایط بسیار ناسازگار دنیای عرب برزبان میآورم .  
 من بخوبی درک می کنم که توده های ما (البته در نتیجه اشغال) شعاریا، مرگ یاسا،  
 پیروزی (پیروزی یا شهادت) را فریاد می کنند و شرایط عینی آنان را امیدارد که  
 به مبارزه خود تا نیل به هدف ادامه دهند . شعاری که قیام در این اواخر مطرح  
 کرده شعاری ریشمائی است، شعار آزادی و استقلال . و فکر میکنم که رهبری قیام در  
 داخل چنین شعاری را مطرح ننموده مگر زمانیکه به میزان شور و حماسه و تصمیم توده ها  
 برای نیل به هدف یقین پیدا کرده است . به این دلیل است که بنظر قیام ادامه یابد .  
 و طبعاً در چنین اوضاع و احوالی خطرناکترین امری که ممکن است قیام با آن مواجه  
 شود عبارتست از رشوه سیاسی که از طرف اردوگاه دشمن ارائه گردد .

( پس از طرح چند سؤال و جواب دیگر که خلاصه آنها اینست که اولاً در پاسخ  
 به دعوت جبهه خلق برای آزادی فلسطین برای کمک به قیام مردم فلسطین از طرف  
 سوریه و لیبی و الجزایر کمک ملموسی نرسیده ثانیاً کوشش برای جلب پشتیبانی سازمانها  
 ی عربی از قیام فلسطین جریان دارد ( و هنوز نتیجه ای نداده ) ثالثاً مسأله  
 تشکیل دولتی در تبعید، فکری زود رس است و شورای مرکزی ساف آنرا کنار گذاشته است  
 رابعاً از شوروی می خواهد که در عرصه بین المللی به پشتیبانی خود از جنبش فلسطین  
 ادامه دهد . سپس مصاحبه کننده می پرسد: )

س : در مصاحبه با یک روزنامه لبنانی از شما سؤال شده که نظرتان راجع به

پیشنهاد قذافی به عرفات، که " برای تسهیل امر قیام، از ریاست کمیته اجرائی ساف  
استعفا کند چیست " ولی شما جواب واضحی به آن سؤال نداده اید . ابهام قضیه  
کجاست ؟

ج : بیاد ندارم که چنین سؤالی از من شده باشد ولی در پاسخ های خود به آن  
روزنامه برخی از رژیمهای ملی عربی را مخاطب قرار داده گفتم : سازمان آزاد بیخوش،  
فلسطین چیزی جز خلق فلسطین و آرمان او نیست، ساف موجودیت فلسطین، و -  
بمعنی دولت و تعیین سرنوشت و بازگشت ( به وطن ) است و در نتیجه اهمیتش از هر  
شخصیتی بیشتر می باشد . بنابراین اگر برخی از نیروها، یا رژیمهای عربی نسبت به  
فلان یا بهمان موضعی دارند، خواهشمندم که این موضع را به سازمان آزاد بیخوش  
فلسطین سرایت ندهد و امید وارم که بر اساس حرکت، موسسات و تصمیمات وارگانهای -  
رهبری ساف، این سازمان را مورد قضاوت قرار دهند . سؤال بنحوی که شما مطرح  
کردید واقعا " از من پرسیده نشد .

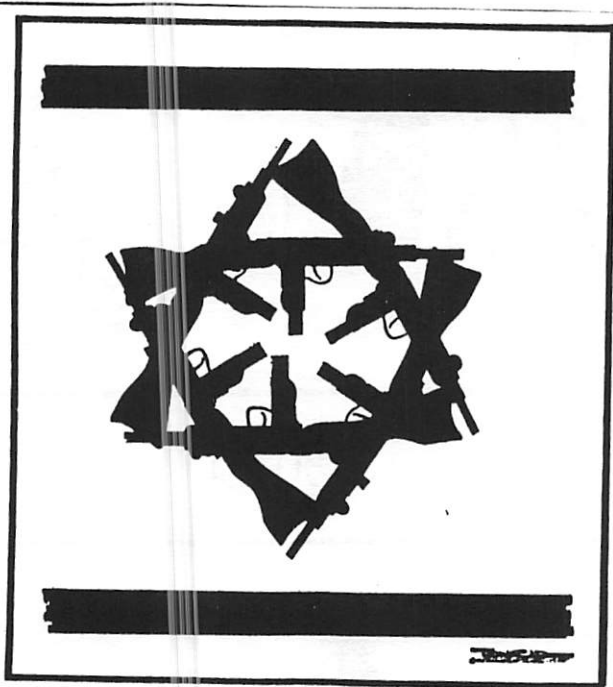
س : اما عرفات در رأس مشروعیت فلسطین قرار دارد و اینرا شما در آخرین

دوره مجلس ملی فلسطین ( الجزایر ) مورد تأکید قرار دادید

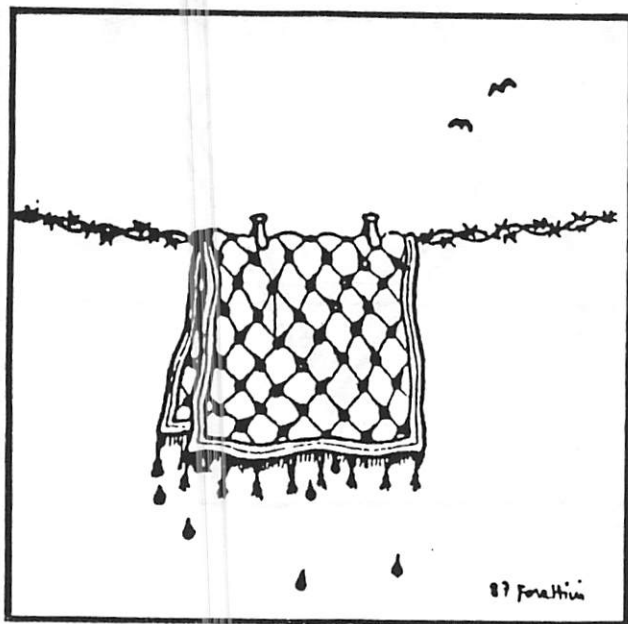
ج : آری رأس مشروعیت فلسطین، تا زمانیکه - و اینرا بارها تکرار کرده ام - او

تصمیمات اتخاذ شده از طرف ارگانهای ساف را رعایت کند این امر نباید برای کسی  
بویژه برادر یا سر عرفات بدآیند باشد . زیرا ما همگی باید خوشحال باشیم -  
وقتی میگوئیم که سازمان آزاد بیخوش فلسطین مقامش از هر رهبر فلسطینی بالاتر است .

طرح از هرالد تریسون ( امریکا )



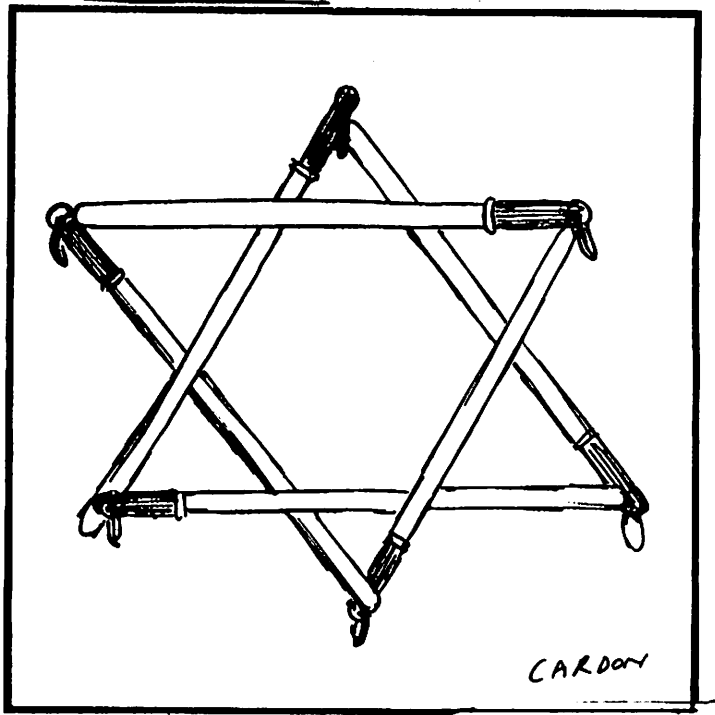
طرح از لاریبولیکا ( ایتالیا )







طرح ها از کانرا آئشنه (فرانسه)



ترجمه و تنظیم از :

دانشجویان ایرانی در فرانسه (هوادر سابق سازمان پیکار)

۶ آوریل ۱۹۸۸